

■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۴۲۱ ■ دوشنبه ■ ۲۷ مرداد ۱۳۹۹

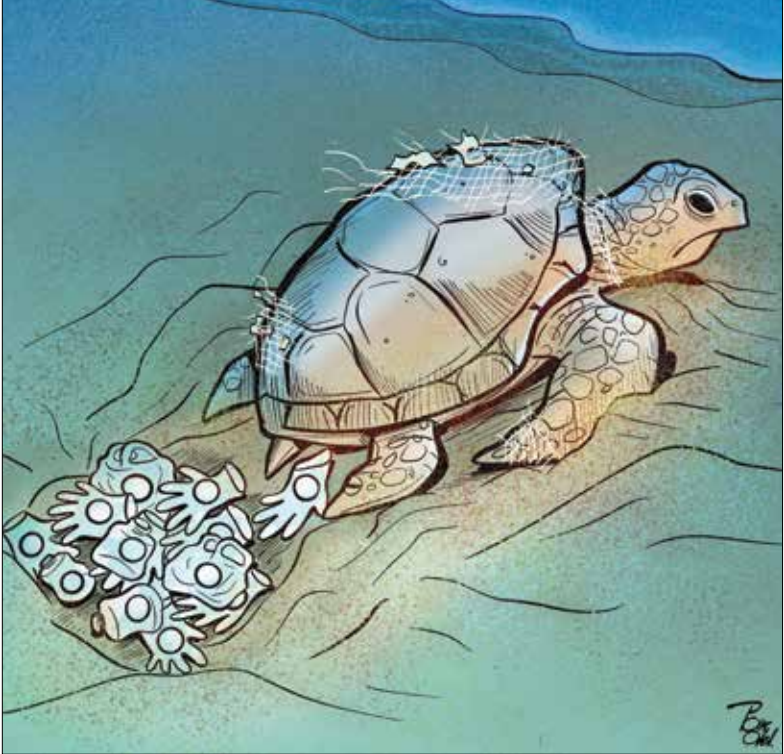
ایران

مساحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیع‌ی
سردبیر: جواد دبیری

اذان ظهر ۱۳/۰۸ اذان مغرب ۲۰/۰۹ نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ اذان صبح فردا ۴/۰۵ طلوع آفتاب فردا ۶/۲۶	
امام‌صادق‌علیه‌السلام:	
اسراف باعث فقر ومیانه روی موجب بی نیازی می شود.	
سخن روز	

کافی(ط-الاسلامیه)ج۴، ص۵۲، ج۸-من لایحضره الفقیه ج۳، ص۱۷۴،ج۳۶۵۹

نگاره	
علیرضا پاکدل	
	
تهدیدات و تغییرات محیط زیستی	



#محمدرضا شجریان

خبربستری شدن محمدرضا شجریان در بیمارستان و اینکه حالش خوب نیست باعث شد موجی درباره استاد آوازایران در شبکه‌های اجتماعی شکل بگیرد. بسیاری از چهره‌های سیاسی و فرهنگی با انتشار تصاویری از شجریان برای بهبودِ‌اش دعا‌ی می‌کردند. اخبار مربوط به بیمارستان و شرایط شجریان مرتب در شبکه‌های اجتماعی بازنشر می‌شد و خیلی‌ها از نگرانی‌شان برای او می‌نوشتند: «دعای امروز: خدایا محمدرضا شجریان رو برامون حفظ کن»، «جالب و حیرت‌انگیزه که در بدترین اوضاع ممکن هم، جمعیت خیلی خیلی زیادی از ما مردم، نگران سلامتی محمدرضا شجریان هستیم»، «چه بودم و شاک‌ی از اینکه چرا همه موزیک‌های ماشین بابا سبکش اصیل ایرانیه، با خودم می‌گفتم شاید یه روزی از همه‌شون خوشم بیاد ولی هیچوقت هیچوقت «شجریان پدر» رو گوش نخواهم کرد! من اما بزرگ شدم و بیشتر از بابا، دلبسته صدای بی‌همتای شما شدم، من بزرگ شدم و حسرت حضور تو کنسرت شما شده جزو بزرگ‌ترین حسرت‌های زندگیم، من بزرگ شدم شدم و «پاسبان حرم دل» تو سخت‌ترین شرایط زندگی و آرامش تزریق کرد به رگ‌هام، من بزرگ شدم و با «بارون»، «باریدم، من بزرگ شدم و با «بهار دلکش» به استقبال بهار رفتم، من بزرگ شدم و با «مرغ سحر» شام تاریکمو سحر کردم»، «یه چیزی در مورد استاد شجریان بگم، استاد اون کاری که باید رو انجام داد و در تاریخ ایران ثبت شد. به نظرم خدمتی که استاد به فرهنگ و هنر و ادبیات و موسیقی ایران انجام داد تکرار نخواهد شد»، «بهو تو پاساژ با صدای

هشتگ

هفته پیش حجت نظری ، عضو شورای شهر تهران در توئیتز نوشت که پیشنهاد کرده دو معبر در تهران به نام‌های سهیل گوهری و روح‌الله رجایی - روزنامه‌نگارانی که بر اثر کرونا درگذشتند - نامگذاری شود. همان زمان خیلی‌ها به این پیشنهاد اعتراض کردند اما دیروز اعلام شد این پیشنهاد تصویب شده و قرار است خیابان مهرداد جنوبی به نام سهیل گوهری و کوچه قائم مقام فراهانی به نام روح‌الله رجایی نامگذاری شود. این مسأله دوباره انتقادها را مطرح کرد. بسیاری از دوستان این دو روزنامه‌نگار از این می‌نوشتند که آنها خودشان علاقه‌ای به این کارها نداشتند واز طرفی کاربران زیادی می‌گفتند اکنون باید خیابان‌ها به نام شهدای سلامت و کادر درمان نامگذاری شود: «خدا رو شکر شورای شهر تهران در یک گام بلند برای احقاق مردم و با فشار کاری فراوان، نام دو خیابان دیگر را هم تغییر داد. باشد که این تلاش‌های فشرده برای مردم تویتری ایران، پایدار باشد.»، «مشکل نام خیابان قائم مقام چه بود که به روح‌الله رجایی تغییر نام دادید؟ واقعا مشکلات ما در شهر تهران و حملات پر از مشکلات و این تغییر نام‌هاست؟»، «یک گروه اسم و فامیل بازی تشکیل بدین تا شورای شهر تهران خالشان از این وظیفه کمرشکن راحت شه بپردازه به امور شهر»، «کوچه‌ای که به نام قائم مقام بود به نام روح‌الله رجایی کردند. البته در مورد ضرورت این کار خیلی جای تردید است. هر روز در این کشور شخصیت‌های ارزشمندی فوت می‌کنند که هیچ معبری به نام آنها نمی‌شود»، «به عنوان یکی از



جواد مجابی: وضعیت جهانی را توصیف کردم

کتاب «ایالات نیست در جهان» در عین حال که در یک فضای نامرئی و شاید تخیلی می‌گذرد واقعی‌تر از هر چیزی در این جهان است. یعنی به اساس حکومت در دنیای سرمایه‌داری چپاول گر توجه دارد. سعی کردم بدون اینکه جهت‌گیری خاصی در آن باشد فقط به توصیف یک وضعیت جهانی بپردازم.

مجابی که به تازگی از بیماری کرونا بهبود پیدا کرده در گفت‌وگو با هنر آنلاین، درباره جدیدترین کتابی که از او منتشر شده توضیح داد.

نگاهی به اکران‌های موسوم به «سینما ماشین»

قاعده‌واستنا

در طوفان جهانگیر کرونا، یکی از اولین کسب و کارهایی که به واسطه ماهیت ذاتی مبتنی بر تجمع تعداد قابل توجهی از افراد در یک مکان سر بسته، بسیار زودتر از سایر رویدادهای معمول اجتماعی تعطیل و در نتیجه بیشترین ضرر اقتصادی را متحمل شد، هنر/ صنعت سینما بود. وابستگی قابل‌ملاحظه این صنعت به بازگشت سرمایه از طریق استمرار فرآیند نمایش فیلم که شرایط دشواری را در ماه‌های آغازین همه‌گیری ویروسی به آن تحمیل کرد، آنچنان بود که باز هم سینما یکی از اولین‌هایی بود که برای مقابله با این اوضاع ناپسامان به چاره‌اندیشی پرداخت. سینمای نیمه خصوصی/ نیمه دولتی و متکی بر بودجه عمومی ایران که در بسیاری از موارد آن گردش سرمایه به مفهوم استاندارد و متعارف جهانی در آن حکمفرما نیست هم از قافله جهانی عقب نماند و از دو طریق «اکران آنلاین» و «سینما ماشین» که موضوع مورد نظر این یادداشت است، درصدد سازگاری با شرایط بروز کرده برآمد.

بعد از موفقیت نسبی اکران دو فیلم «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی کبا و «ششای پروانه» اولین ساخته محمد کارت، آن گونه‌که از اظهار نظرهای مسئولان برگزارایی این طرح جایگزین اکران‌های سنتی داخل سالن سینما برمی‌آید، میزان استقبال مخاطبین کاهش قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرده به شکلی که حتی ادامه این شکل از اکران آثار سینمایی را با تردیدهای جدی مواجه کرده است. همان طور که منوچهر صفرخانی، مدیر اجرایی این طرح در گفت‌وگوی اخیرش اشاره کرده تشدید همه‌گیری کرونا در قیاس با مقطعی که ساخته‌های حاتمی کیا و محمد کارت اکران «سینما ماشین» را تجربه کردند، شرایط سخت اقتصادی و معیشتی مردم و در نهایت افسردگی حاکم بر جامعه مؤلفه‌های بسیار مهمی در عدم استمرار توفیق این شکل از اکران بودند ولی به نظر نمی‌رسد این تمام ماجرا باشد و شاید با تأمل و تعمق بیشتر بتوان دلایل دیگری را هم برای این عدم تداوم اقامه کرد.

انتخاب کتاب مناسب، چطور و چگونه؟

«برای بچه‌ها کتاب مناسب بخريد.» حتماً شما این جمله را بارها از افراد مختلف و در مناسبت‌های مختلف شنیده‌اید. اما واقعاً کتاب مناسب یعنی چه؟ کتاب مناسب به مفهومی قطعی بر نمی‌گردد. مرجعی که کتاب را معرفی می‌کند، روحیات مخاطب و نیازهایش و بخشی هم خود شما و هدی که از انتخاب کتاب دارید در این تعریف جای دارد.

اینکه چه کسی یا چه کسانی این کتاب را بر اساس چه معیارهایی مناسب می‌دانند مهم است و اینکه چقدر این معیارها با معیارهای یک والد یا مربی هماهنگی داشته باشد. بنابر این یکی از اصلی‌ترین موارد، آشنایی با مراجع معتبر و تهیه فهرست مناسب است. حتماً شما هم در شبکه‌های اجتماعی برخورد کرده‌اید که یکباره کتابی مطرح می‌شود و حجم زیادی از مخاطبان بر می‌آشوبند که چرا چنین و چنان است. اما از خودمان در مواجهه با چنین کتاب‌هایی سؤال کردیم، که چه نقشی می‌توانیم در تولید چنین کتاب‌هایی داشته باشیم.

وقتی بدون دقت از سوپرمارکت و کیوسک روزنامه فروشی کتاب‌هایی می‌خریم که هیچگونه ارزش ادبی، بصری و... برای بچه ندارد، نقش ما چیست؟ آیا خود ما به گسترش تولید کتاب‌های کم ارزش دامن زدیم؟ این روزها با توجه به حجم کتاب‌های تولیدی و رقابت بازار و لطمه‌ای که به تولید کتاب می‌زند و با در نظر گرفتن تبلیغات، پیدا کردن کتاب مناسب دغدغه بسیاری از والدین شده است. بنابر این با وجود گستردگی شبکه‌های اجتماعی می‌توانیم اندکی از وقتمان را برای آشنایی با این مراجع و فهرست‌ها بگذاریم. می‌توانیم اطلاعاتمان را درباره نیازهای بچه‌ها با توجه به گروه سنی‌شان افزایش دهیم. می‌توانیم کمی دقت کنیم و با گفت‌وگو از سلیقه مطالعه نوجوانان آگاه بشویم.

کتاب‌ها با تنوع زیاد موضوعات در بازار کتاب کودک و نوجوان دیده می‌شود. اما اینکه بچه‌ها در چه زمانی به چه موضوعی نیاز یا علاقه نشان می‌دهند متفاوت است. گاهی وقت‌ها با توجه به شرایط خاص می‌شود کتاب خاص انتخاب کرد. مثلاً وقتی بچه‌ای کسی را از دست داده، یا پدر و مادرش از هم جدا شده‌اند. یا وقتی خودش جزو کودکان و نوجوانان با نیازهای ویژه است یا در خانواده و دوستان کسی در این گروه و طیف قرار می‌گیرد. همه و همه این موضوعات می‌تواند به ما کمک کند تا به واسطه ادبیات مشکلات را کمتر کنیم. گاهی شرایط آنقدر سخت است که نیاز به گریز داریم و نیاز به دنیایی پر از تخیل برای زنده ماندن. از طرفی ترویج کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان نیاز به کار پیوسته و خلاقه دارد آن هم با اهداف روشن. پس باز هم نیاز به کتاب‌های مناسب داریم.

برای این کار نیاز به شناخت مراکز و نهادهایی داریم که به طور مستمر، با اهداف و معیارهای مشخص و با توجه به گروه سنی و نیازهای مخاطب این کار را انجام می‌دهند. با کمی دقت می‌توانید با مراجعه به فهرست لایکشت پرند، شورای کتاب، کتاب سال جمهوری اسلامی، رشد و کانون پرورش و با ب در نظر گرفتن معیارهایشان کتاب‌های مناسب را پیدا کنید.

اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، حساب کردن بیش از اندازه متولیان طرح‌های جایگزین این چنینی روی موفقیت این طرح‌ها بود که در عمل آنقدرها هم مطابق با انتظارات از آب در نیامد، سنت ۷۰ ساله تماشای فیلم در سالن تاریک که تماشاگر از فقط و فقط بر اتفاقات روی پرده متمرکز می‌کند و حضور تعداد قابل توجه از دیگری که آن میزان دلنشینی یک تجربه تجربه‌ای هستند، سنت‌های جاافتاده تاریخی هستند که نمی‌توان ظرف مدت کوتاهی آنها را با روش‌های دیگری که آن میزان دلنشینی یک تجربه مشترک و ثبت یک خاطره مشترک دسته جمعی را منتقل نمی‌کنند، جایگزین کرد. حتی اکران آنلاین هم علیرغم اینکه نسبت به سینما ماشین طرح شدنی‌تری به نظر می‌رسد، ولی باز هم جای خالی سالن‌های دوست داشتنی سینما را به خاطر عاری بودن از آن سنت تاریخی پر نکرده است.

وجود موانعی نظیر شیشه اتومبیل که بین تماشاگر و پرده جادویی نقره‌ای فاصله انداخته و آن حس غرق شدن در دنیای فیلم را از او سلب می‌کنند، حس ناخودآگاه عدم امکان تغییر وضعیت و خروج موقت از اتومبیل (که در سالن سینما تا پیش از تیتراژ پایانی فیلم امکانپذیر است و تماشاگران بنا به دلایل مختلف امکان رفت و بازگشت به سالن را دارند)، محدودیت بازآرنده لزوم اتومبیل‌دار بودن و امکان تماشای فیلم تنها در چند نقطه محدود پایتخت که در شهری مثل تهران یک سفر طولانی درون شهری را برای بسیاری از تماشاگران طلب می‌کند، تعدادی از دیگر مؤلفه‌هایی هستند که جایگزینی اکران سینما ماشین به جای اکران عادی را با ناکامی نسبی مواجه کرده است.

با در نظر گرفتن تمام این اوصاف («سینما ماشین» دست‌کم در پهنه زمانی کوتاه و با محدودیت‌های کنونی، می‌تواند در حکم یک تجربه متفاوت محسوب شود که هر کسی تمایل دارد با چشیدن طعم آن بر وسوسه انجاش غلبه کند اما با رفع این وسوسه کنجکاوانه، تماشاگر باز هم به همان سنت‌های گذشته و همان نوستالژی تماشای فیلم در سالن برمی‌گردد، نباید فراموش کرد که صندلی ماشین هرگز جای صندلی‌های یکصد و خرده ساله سینما را نخواهد گرفت همان طور که استنتا هرگز جایگزین قاعده نخواهد شد.

از «سرخیوست» تا «تختی»

ایین مدت فرصت خوبی بود تا کتاب بخوانم و فیلم ببینم و حالا می‌توانم بگویم در این شش ماه، فهرستی از کتاب‌ها و فیلم‌هایی که مدت‌ها بود مترصد خواندن و دیدن شان بودم به سرانجام رساندم. به‌عنوان مثال دوباره رفتم سروقت تماشای چند سریال طنز خارجی یا خواندن کتاب‌های تاریخی اجتماعی که به تحولات سیاسی اجتماعی دوران معاصر ی که ما در آن زندگی می‌کنیم، می‌پردازند و سعی کردم تمامی نظریه‌ها و روایت‌ها را از زوایه‌های مختلف بخوانم و آنچه در جهان اتفاق افتاده و می‌افتد با درک و فهمی دقیق‌تر و مستندتر دنبال کنم. از فیلم‌های ایرانی هم نباید گذشت چون به نظر من الحق‌والانصاف بسیاری از فیلسازان جوان ما واقعاً خوب کار می‌کنند و آثار شایسته تقدیر و تأملی را به پرورده کاری خود و البته تاریخ سینمای ایران اضافه می‌کنند. من اصولاً به دلایلی به جشنواره فیلم می‌نروم و صبر می‌کنم این آثار به‌صورت گسترده‌تر اکران و پخش شوند و بعد با خیال راحت به‌تماشای آنها می‌نشینم. به‌عنوان مثال از بین فیلم‌های خوبی که از همین چند وقت پیش فرصتی دست نداده بود که به تماشایشان بنشینم می‌توانم به فیلم «سرخیوست» نیما جوادیدی اشاره کنم که فیلم بسیار خوش ساخت و دلچسپی بود با بازی‌های درخشان و البته درام موفقی که مخاطب را تا پایان با خودش همراه می‌کرد؛ یا فیلم نرگس آبیار (شبی که ماه کامل شد) را هم به‌تازگی تماشا کردم و به‌نظر من یکی از فیلم‌های موفق چند سال اخیر بود و از دیدنش لذت بردم. «تختی» هم البته فیلم درخشان دیگری است که باید بگویم از دیدنش واقعاً لذت بردم و روایت بسیار جذابی داشت با طراحی‌های دقیق و درست که مخاطب را با نمایی واقعی‌تر از آن دوره و روز و روزگار تختی آشنا و همراه می‌کرد. به‌هر صورت، در این مدت سعی کردم وقت را هدر ندهم و استفاده کنم تا هم پشته‌نهای خودم را در حوزه‌های مورد علاقه‌ام قوی‌تر کنم و هم زمان را به بطالت نگذارم.

چی ببینیم



کوروش نریمنی‌ا نقاشیشاه‌نویس



عکس‌نوشت

بهمن مفید بازیگر تئاتر و سینما دیروز در ۷۸ سالگی بر اثر بیماری سرطان درگذشت. مفید که با فیلم‌هایی چون «قیصر»، «طوقی» و «داش آکل» و نمایش «شهر قصه» شناخته می‌شود کارش را با تئاتر آغاز کرد و با نقش کوتاهی در «قیصر» درخشید. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم در نقش‌های کوتاهی در چند فیلم از جمله «سرود تولد» بازی کرد و در فیلم‌هایی چون «یکی بود یکی نبود»، «سرتو بدزد رفیق» و «مجموعه تلویزیونی «پلیس آسمانی» صداپیشه بود. به گفته خانواده مفید به لیل شیوع بیماری کرونا مراسم تشییع او تنها با حضور خانواده‌اش برگزار می‌شود.

«حق اشتباه» ترکیب

بسیار کوچکی از واژه‌ها، بخش کوچکی از یک جمله، اما چه کسی این حق را به تو خواهد داد؟ چه کسی جزخودت؟

من او را دوست داشتم
آتا کالوالدا
مترجم: الهام دارچینیان
نشر: قطره

تولدها

۲۷مرداد
امروز برار نام‌های بزرگ هنرو فرهنگ ایران و جهان است. در کنار کسانی که تولد یا سالروز درگذشت‌شان است و درباره‌شان می‌خوانید، امروز هفتاد و پنجمین سال انتشار کتاب مشهور «قلعه حیوانات» نوشته جرج اورول است. کتابی که در طول جنگ جهانی دوم نوشته شد و از آن به‌عنوان یکی از آثار کتایه آمیز درباره حکومت‌های چپ‌گرایادی می‌شود.

تولدها

حسین گل‌گلاب:امروز سالروز تولد شاعر سرود مشهور و دوست داشتنی «ای ایران» است که سال ۱۲۷۶ به دنیا آمد. حسین گل‌گلاب هم شاعر بود هم مترجم و هم موسیقیدان و عکاس. البته رشته تحصیلی‌اش گیاه‌شناسی بود اما از سال ۱۳۰۲ که علی نقی وزیری گروه موسیقی‌اش را راه انداخت یکی از نوازندگان این گروه بود. در کنار این‌ها ترانه‌هایی می‌سرود که به‌دلیل تسلطش بر موسیقی و نت ماندگار شدند و حتی او را هم‌تراز شاعران بزرگی مانند عارف قزوینی و ملک الشعرا ی بهاری می‌دانند. «ای ایران» را زمانی سرود که ایران پس از جنگ جهانی دوم در اشغال قوای روس و انگلیس و آمریکا بود و رفتار ناپسند چند سرباز خارجی باعث شد «ای ایران» را بسراید. «ای ایران» با موسیقی روح‌الله خالقی در سال ۱۳۲۳ در نخستین کنسرت ارکستر انجمن ملی موسیقی ملی نواخته شد و مردم را به وجد آورد. «آزآبادگان»، «خرک ایران»، «زریان عشق» و «بلبل سمّت» تصنیف‌های دیگری است که با شعر گل‌گلاب شنیده‌اید. او از نخستین اعضای فرهنگستان ایران بود و به‌دلیل تخصصش در معادل‌یابی اصطلاحات علمی در سال ۱۳۱۵ سردبیر این فرهنگستان شد. درواقع او نخستین دبیر فرهنگستان زبان فارسی بود و واژه‌های علمی مانند «قارچ»، «جلیبک» و «گلسنگ» توسط او معادل‌سازی شدند. حسین گل‌گلاب سال ۱۳۶۳ درگذشت.

رابرت دنیرو:بازیگر مشهور هالیوود امروز ۷۷ ساله می‌شود. رابرت دنیرو از ۱۰ سالگی کارش را در تئاتر آغاز کرد و پس از شرکت در کلاس‌های بازیگری ای ال استراسبرگ سال ۱۹۶۸ در فیلم «اوپالیرسی» برایان دی پالما بازی کرد و پس از بازی در فیلم‌های دیگری مانند «طبل را آهسته‌بزن» و «خیابان‌های بی‌رحم» به شهرت رسید. دنیرو در سال ۱۹۷۴ در دومین فیلم «پدرخوانده» بازی کرد و اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برایش به دست آورد و پس از آن «راننده تاکسی» او را به اوج شهرت رساند. «گلوخشمگین»، «رفقای خوب»، «کازینو»، «مردان افتخار»، «تنگ وحشت» و «شکارچی گوزن» از دیگر آثار درخشان بازیگری اوست. رابرت دنیرو سال ۲۰۱۵ به‌عنوان بزرگ‌ترین بازیگر همه دوران تاریخ سینما معرفی شد.

حسام‌الدین سراج:خواننده موسیقی سنتی و نوازنده سنتور و سه‌تار سال ۱۳۳۷ در چنین روزی به دنیا آمد. حسام‌الدین سراج از ۱۳ سالگی تنبک و پس از آن هم سنتور را یاد گرفت. در کنار اینها او از بازی محمدرضا شجریان آموخت و پس از آن به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص موسیقی سنتی ایران شناخته شد. «شبنوا»، «وصل مستان»، «شش الضحی»، «نگاه آسمانی» و «فرح شراق» از مهم‌ترین آثاری است که از سراج شنیده‌اید. او سال ۱۳۹۷ برای اولین بار پس از سال‌ها توانست در شهر مشهد کنسرت برگزار کند.

سالروز تولد هاله مشتاقی‌نایماپیشنامه نویس، علیرضا پنجه‌ای شاعر و مارسل کارنه فیلساز فرانسوی هم امروز است.

درگذشت‌ها

کمال الملک:محمد غفرای معروف به کمال الملک در ۱۳۱۹ در چنین روزی درگذشت. پدرش که نقاش بود او را همراه برادر بزرگش به تهران فرستاد تا در دارالفنون رشته نقاشی را بخواند. ناصرالدین شاه در یکی از بازدیدهایش

از این مدرسه تابلوی «اعضاءالسلطنة» رئیس دارالفنون را که کمال الملک کشیده بود دید و دستور داد او به‌عنوان نقاش دربار استخدام کنند. ناصرالدین شاه علاقه زیادی به او داشت و مدتی بعد که خودش هم شاکرده شد بود به او لقب کمال الملک داد. او در مدت حضورش در دربار ۱۷۰ تابلو کشید که معروف‌ترین آن «اتالر آینه» است. پس از مرگ ناصرالدین شاه به ایران بازگشت اما توانست خودش اما به دستور مظفرالدین شاه به ایران بازگشت اما توانست خودش را با خواسته‌های شاه ایران مطابقت دهد و به عراق رفت. بازگشت او به ایران همزمان با انقلاب مشروطه بود و پس از آن کمال الملک توانست مدرسه صنایع مستظرفه با همان هنرستان را تأسیس کند. «حوضخانه صاحبقرانیه»، «تکیه دولت» و «خیابان دوشان تپه» از معروف‌ترین آثار اوست و بسیاری از مناظر تهران و تفریح گاه‌های شاهان قاجار و پیرته‌های درباریان توسط او کشیده شدند.

سالروز درگذشت محمد زهرایی مدیر نشر کارنامه، سید محمد محیط طباطبایی ادیب، مسعود برزین روزنامه نگار پیشکسوت و آرتور هیلر کارگردان کاندایی هم امروز است.



درخشید. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم در نقش‌های کوتاهی در چند فیلم از جمله «سرود تولد» بازی کرد و در فیلم‌هایی چون «یکی بود یکی نبود»، «سرتو بدزد رفیق» و «مجموعه تلویزیونی «پلیس آسمانی» صداپیشه بود. به گفته خانواده مفید به لیل شیوع بیماری کرونا مراسم تشییع او تنها با حضور خانواده‌اش برگزار می‌شود.